

معرفی منتخبان جایزه ملی «داستان حماسی»

اسامی منتخبان نهایی چهارمین جایزه ملی «داستان حماسی» معرفی شدند. چهارمین جایزه ملی داستان حماسی از میان ۸۸۹ اثر شامل ۱۸۵ رمان و ۷۴۴ داستان کوتاه «۱۰ رمان و ۱۰ داستان کوتاه برای مراسم پایانی این جایزه که ۱۵ مهرماه در آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی برگزار می شود، معرفی کرد. بر این اساس منتخبان بخش رمان «ایوبک سیمرغ سوار تیوری» اثر ابراهیم نجف‌زاده از مازندران، «بازمانده» اثر امیرحسین روح‌نیا از خراسان

رضوی، «پسر دریا» اثر احمد حیدری از بوشهر، «پراخوت» اثر راضیه بهرامی‌راد از سمنان، «جینگیلی» اثر محمدرضا آریان فرداز اصفهان، «دختران حماسه» اثر خدیجه‌بیدگی از خراسان شمالی، «رکن ۲» اثر محمد محمودی نورآباد از فارس، «لعنتکان» اثر مهرداد صدقی از خراسان شمالی، «مرد، نامرد، تسو» اثر امیرحسین دارابی از تهران، «من خر هستم» اثر وحید آقا‌کرمی از آذربایجان شرقی هستند.
منتخبان بخش داستان کوتاه این

زندگی هستند که هر انسانی را تحت تاثیر قرار می دهد، طبیعتا آشنایی با روش زندگی انسانی اهل عمل و سعادت جو برای هر فردی جالب است و دوست دارد با انتخاب سبک زندگی مشابه شهدا که عاقبت به خیر شده‌اند، او هم به سعادت‌ی ابدی دست پیدا کند.

۴] با توجه به این‌که شما هنوز راه‌بلندی در عرصه نویسندگی پیش رو دارید، اما این توفیق را داشتید که یکی از نخستین آثار حرفه‌ای شما مورد توجه رهبر انقلاب واقع و مزین به تقریظ ایشان شده باشد. این تقریظ و توجه چقدر مسئولیت نویسنده را سنگین‌تر می‌کند؟

به قول نویسندگان حرفه‌ای، من نویسنده‌ای نو قلمم هستم و خدا را شاکرم که در ابتدای راه چنین توفیقی نصیب کتاب «آخرین فرصت» شده است. با همه اینها اصلا داعی در زمینه قلم ندارم و نوشته من خاص نبوده بلکه وسعت شخصیت شهید کسانی بوده که مورد عنایت رهبر معظم انقلاب واقع شده است. حقیقتا تقریظ مقام رهبری انگیزه‌ام را برای نوشتن بیشتر کرد و حتی آن قدر امیدوار شدم که می‌خواهم یکی از کارهای نیمه تمامم را که مدت زیادی در آن وقفه ایجاد شده، سریع‌تر کامل کنم. این انگیزه و امید را مدیون توجه رهبر انقلاب هستم و اگر لطف خدا باشد با توان و جرأت بیشتری این راه را ادامه خواهم داد.

۴] یکی از نکات جالب در اسامی شش کتابی که اخیرا رهبر معظم انقلاب بر آنها تقریظ نوشته‌اند، توجه ویژه به نویسندگان خانم است به صورتی که از این شش کتاب تقریظ شده، نویسنده پنج کتاب خانم هستند. به نظر شما روایتگری رخدادهایی مانند جنگ، مقاومت و شهادت و ثبت این وقایع توسط زنان نویسنده یا آثاری که به قلم مردان نوشته می‌شود، چه تفاوتی‌هایی دارد؟

از ابعاد مختلفی می‌توان این موضوع را بررسی کرد؛ به نظر من خاطرات همسران شهدا و فضای خانوادگی آنها از طریق نویسنده، روایتگر و مصاحبه شونده خانم بهتر منتقل می‌شود و جزئیات احساسی‌تری خواهد شد. حتی خانم‌ها راحت‌تر باهم گفت‌وگو می‌کنند و می‌توانند خاطرات جزئی‌تری را وارد روایت کنند که قطعا کتاب را برای مخاطب خواندنی‌تر می‌کند. در روایت خاطره از شهدا طبیعتا خانواده‌ای که شهید در آن بزرگ شده و مادر و همسر شهید نقش پررنگ‌تری دارند و حتی در راهی که شهید پیموده، موثرتر بوده‌اند. به همین دلیل بیان زنان در این کتاب‌ها و ثبت خاطرات بیان شده توسط نویسنده خانم آثار را در مرتبه متفاوتی قرار می‌دهد. از بعد دیگر گمان می‌کنم نویسندگی برای خانم‌ها شغل مناسبی است و علاوه بر این‌که به علائقش می‌پردازد در فضای امن خانه و خانواده کارش را هم انجام می‌دهد و شغلی دارد که هم از آن لذت می‌برد هم فعالیت و اثرگذاری اجتماعی دارد. از این رو توجه به خانم‌های نویسنده به همین جهت ارزش زیادی دارد و رهبر انقلاب نیز چنین توجهی را به خانم‌های نویسنده کشور داشته‌اند.

۴] یکی از تجربیات نویسندگی شما مربوط به کتاب دیگری به نام «۳۹ کیلو تمام» است که قهرمان قصه نوجوانی است که

رویداد را «آب سیاه» اثر هدا حشمتیان از کرمانشاه، «آبی خونی» اثر زهرا یوسفان از قم، «پرگرد رباب» اثر سیده خدیجه حسینی از خراسان رضوی، «پل» اثر قدسی خان بابایی از قم، «دامون» اثر عزیزا... محمدپور از مازندران، «درفش دار» اثر سمیه شهبازی از اصفهان، «دلیر» اثر مینا سعادت پور از قم، «شراب طهور» اثر فریبا مرادی از اصفهان، «علی قره پاچانی» اثر محمدرضا زروندی از قم، «میان داران» اثر آناهیتا بزرویی از کرمانشاه تشکیل می‌دهند.



سعادت‌جویی از ولایت‌مداری تا شهادت

نویسنده کتاب «آخرین فرصت» در گفت‌وگو با «جام‌جم» زندگی شهیدی دل‌داده امیرالمومنین ^(ع) را روایت کرده که می‌تواند در مخاطب انگیزه‌ای برای مطالعه نهج‌البلاغه ایجاد کند

این کار ثبت زندگی و خاطرات شهید به صورت حقیقی است. در واقع نویسنده نمی‌تواند با تخیل و بداهه‌پردازی از شهید خاطره‌سازی کند. با وجود چنین ملاحظاتی، جای تخیل و خلاقیت نویسنده در کتاب‌های زندگی‌نامه شهدا کجاست؟

آیا این آثار صرفا ثبت خاطرات و روایات هستند یا نویسنده هم می‌تواند دخل و تصرفی در موضوعات داشته باشد؟

این ملاحظات که ضرورت هم دارد، جزو سختی‌های کار زندگی‌نامه نویس شهداست. به نظرم راه درمانش این است که نویسنده از ابتدای کار تکلیف خودش را با مخاطب روشن کند. یعنی اگر قرار است تاریخ شفاهی و خاطرات را ثبت کند و قرار نیست خلاقیتی از خودش به خرج دهد، حتما این موضوع را در مقدمه کتاب بیان کند. به نظر من هرگونه زندگی‌نامه‌ای از شهدا لازم است؛ هم زندگی‌نامه‌هایی که صرفا خاطرات را ثبت کرده‌اند هم زندگی‌نامه‌هایی که ذوق و سلیقه نویسنده در روایت خاطرات دخیل است. بنابراین ضمن رعایت ملاحظات و جایگاه شهید، می‌توان تنوع ادبی و خلاقیت‌های نویسنده را در زندگی‌نامه‌ها مشاهده کرد. در دسته دیگری از آثار که با الهام از زندگی هر شهید نوشته می‌شود این نکته را باید از قبل مشخص کرد تا مخاطب بداند کتاب از تخیل نویسنده و خلاقیت او برآمده و ممکن است بخش‌هایی از آن حقیقی نباشد. در چند سال اخیر بیشترین نوع مورد استقبال قرار گرفته، ثبت خاطرات حقیقی شهداست به صورتی که نویسنده وارد تنه اصلی حوادث و اتفاقات زندگی شهید نمی‌شود، اما با بیان ادبی خود همان حوادث را طوری روایت می‌کند تا ماجرا را خواندنی‌تر کند، در واقع این دست آثار، روایت داستانی از زندگی‌نامه‌ها هستند.

در ایام جنگ به اسارت گرفته می‌شود. به نظر شما روایت از جنگ برای گروه سنی نوجوان چطور می‌تواند تاثیرگذاری تربیتی داشته باشد؟ و چقدر جای چنین آثاری در کتاب‌های دفاع مقدس و ادبیات پایداری خالی است؟

فکر می‌کنم می‌توان در کتاب‌ها به شهدای نوجوانی که در جنگ تحمیلی جان‌شان را فدا کردند بیشتر پرداخت. البته در سال‌های اخیر توجه به این موضوع بیشتر شده و با این‌که طبیعتا تعداد شهدای نوجوان کم‌تر است، اما در بین همین شهدا، روایت‌ها و خاطرات ناشنیده‌ای وجود دارد که جای آن در ادبیات دفاع مقدس خالی است. یکی از دوستانم، خانم طاهره کوهکن و نویسنده کتاب «راض بابا» این کتاب را درباره خاطرات دختر شهید نوجوانی به نام راضیه کشاورز نوشت که در عملیات ترورستی حسینیه سیدالشهدای شیراز سال ۸۷ در ۱۶ سالگی به شهادت رسید. خاطرات این دختر نوجوان به قدری مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت که بالغ بر ۲۰ چاپ مجدد داشته است. این استقبال هم نیاز جامعه به چنین محتواهایی را نشان می‌دهد و هم بیانگر کمبود اثر ارزشمند ادبی برای گروه نوجوان با موضوعاتی مانند دفاع مقدس، مقاومت و... است. با نگاهی نو و خلاق باید از شهدای دهه‌های قبل و حتی شهدای حوادث معاصرتر گفت و برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت متناسب با سلیقه و نیاز روحی نوجوانان اثر ادبی تولید کرد. به نظرم طنز و روایت رفاقت‌ها و پایان بندی راضی‌کننده می‌تواند عواملی باشد که در داستان‌ها و خاطره‌نگاری از شهدا برای گروه سنی نوجوان، کشش داستانی ایجاد می‌کند.

۴] زمانی که نویسنده تصمیم به نگارش زندگی‌نامه شهدا می‌گیرد یکی از محدودیت‌ها در



فائمه رستمی

گروه فرهنگ و هنر

دست‌آورد کتاب‌های **دلداده مولا امیرالمومنین (ع) و ارادت‌مند کتاب‌بزرگی مانند نهج‌البلاغه، کافیهست تا نویسنده‌ای نو قلم تمام همش را صرف نوشتن کتابی کند که در نهایت هم مورد توجه دوستداران کتاب واقع شود. کتاب «آخرین فرصت» نوشته سمیرا اکبری، روایت خاطرات همسر شهید علی‌کسانی از همین دست کتاب‌هاست که مزین شدن آن به تقریظ رهبر معظم انقلاب در هفته گرامیداشت دفاع مقدس، بهترین فرصت برای گفت‌وگو با این نویسنده بود.**



۴] زمانی که تصمیم به نوشتن زندگی‌نامه شهید علی‌کسانی گرفتید، چه ویژگی‌هایی در این شهید برای شما برجسته‌تر بود و چطور با وی آشنا شدید؟

پس از اتمام درسم در شیراز عضو موسسه نشر فرهنگ شهادت شدم. این موسسه فعالیت اصلی خود را در نشر و اشاعه فرهنگ شهادت و ایثارگری متمرکز کرده است. یکی از اقداماتی که در این موسسه دنبال می‌کردیم، خاطره‌نگاری و ثبت زندگی‌نامه شهدا بود. موسسه پیشتر با همسر شهید علی‌کسانی مصاحبه‌ای انجام داده و بخشی از خاطرات را در سه ساعت ضبط کرده بود. زمانی که این گفت‌وگو را شنیدم، به نظرم رسید با شهیدی با خصوصیاتی ناب آشنا شده‌ام پس احساس کردم چنین انسان بزرگی می‌تواند در سطح کشور مطرح و شناخته شود. فکر کردم مصاحبه همسر شهید

می‌تواند کامل‌تر شود؛ از این رو با خانم رفعت قافلان‌کوهی، همسر شهید علی‌کسانی گفت‌وگوها را ادامه دادیم و سه ساعت گفت‌وگوی قبلی به ۳۰ ساعت مصاحبه و روایت زندگی شهید تبدیل شد. از زمان آغاز مصاحبه با همسر بزرگوار شهید تا روند تولید و انتشار کتاب چند سال طول کشید و در نهایت خاطرات شهید علی‌کسانی از انتشارات به‌نشر روانه بازار شد.



برش



جشن شهادت در عید ولایت

شهید کسایی، جوانمردی انقلابی و مربی آموزش‌های سیاسی و مذهبی در شیراز ۱۴ آذرماه ۱۳۳۴ مصادف با روز عید غدیر متولد شد. او در ۲۵ سالگی ازدواج کرد و خطبه عقدشان را امام خمینی (ره) در عید غدیر خم خواندند. هفت سال بعد از ازدواج با خانم رفعت قافلان‌کوهی و در حالی که پدر چهار فرزند

پیشخوان

«موسای قوم زرگر» به بازار کتاب آمد

کتاب «موسای قوم زرگر» زندگی و خاطرات دکتر موسی زرگر به قلم نجمه نیلی پور در انتشارات سوره‌مهر منتشر و راهی بازار نشر شد. موسی زرگر سال ۱۳۱۴ شمسی در محله حصارطهماسب صفادشت از توابع شهریار در نزدیکی تهران متولد شد. وی در سال ۱۳۲۲ در دبیرستان مروی تهران موفق به اخذ مدرک دیپلم و سال ۱۳۴۰ مدرک دکتری حرفه‌ای پزشکی عمومی را از دانشگاه پزشکی تهران گرفت. ریاست ستاد پزشکی استقلال از امام خمینی، عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته پزشکی حزب جمهوری اسلامی، عضو تیم پزشکی معالج امام خمینی، پزشک معالج رهبر معظم انقلاب در تروور تافرجام سال ۱۳۶۰، وزیر بهداشتی و بهزیستی شورای انقلاب، نماینده مردم شهرستان شهریار در دوره اول مجلس شورای اسلامی، بخشی از مسئولیت‌های او بود. وی همچنین برای نوسازی و احیای بیمارستان سینا (در دولت‌های مختلف) تلاش فراوانی به خرج داد و در ۲۲ اسفند سال ۱۳۹۸ به دلیل عارضه قلبی از دنیا رفت. کتاب موسای قوم زرگر در دو بخش «زندگی و زمانه موسی زرگر از زبان خودش» و «آشنایی اجمالی با شخصیت و ویژگی‌های فردی دکتر زرگر از زبان خانواده، دوستان و همکاران ایشان» نگارش شده است. اسناد و عکس‌ها نیز در انتهای کتاب گنج‌بند شده است.



سربلند و ایستاده

این روزها جنایات رژیم صهیونیستی از غزه تا جنوب لبنان کشیده شده و این رژیم جعلی و زاده غرب تلاش می‌کند برای حفظ حیات خود خاورمیانه را به دامن آتش جنگ بکشد. جنایات اخیر این رژیم در لبنان و استقامت محور مقاومت در برابر آنها، نشان داد خاورمیانه دیگر نمی‌تواند جایب برای صهیونیست‌ها باشد و آنها باید به آفتوش حامیان جنایتکارشان در غرب بازگردند. این طرح به‌خوبی نشان می‌دهد با وجود بمباران‌ها و حتی انفجار پیر و بی‌سیم درخت سربرز لبنان در میان آتش هم مقاوم و سربلند ایستاده‌است.

